

بررسی حقوق اقلیت‌ها در غرب و ایران

اکرم فضلی‌خانی

چکیده

تبعیض و بی‌عدالتی در مورد انسان‌ها و در میان ملت‌ها سابقه طولانی دارد. یکی از اشکال تبعیض، تبعیض نژادی است که به عنوان یک سیستم غیرانسانی، حقوق بشر را پایمال کرده است. مسئله تبعیض نژادی مبنای برتری میان افراد و گروه‌های مختلف را رنگ، پوست، نژاد و مذهب می‌داند که در طول ادوار مختلف تاریخی مشکلات و آسیب‌های جدی به جوامع بشری وارد ساخته و ناقض حقوق انسان‌ها شده است و عامل ایجاد جنگ و ناامنی شده است. اهمیت این مسئله باعث شده است که در حقوق اسلام، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی نسبت به آن موضع‌گیری شده و به نفع آن پرداخته شود. در این نوشته برآنیم تا به بررسی واکنش دولت‌های غربی نسبت به مسئله تبعیض نژادی و حقوق اقلیت‌ها بپردازیم.

کلیدواژه

نژادپرستی، حقوق اقلیت‌ها، تبعیض نژادی، حقوق بشر، زنان، اسلام‌هراسی

مقدمه

احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض و نقض حقوق حقه‌ی آنان، یکی از مسائل مبتلا به حقوق بشر دنیای ما است. اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و دینی با گرایش‌های مختلف در تمام کشورهای دنیا وجود دارند. به جرأت می‌توان گفت امروزه نمی‌توان کشوری را یافت که تمام تابعیتش یکدست باشد و در آن کشور اقلیت معنا و مفهومی نداشته باشد. از سوی دیگر، می‌توان پذیرفت در دنیای کنونی که تمام کشورها سعی می‌کنند جایگاه خود را از نظر حقوق بشر ارتقاء بخشند، رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند یکی از معیارهای مهم این ارزش‌گذاری باشد.

در اکثر کشورهای دنیا یکپارچگی و یکدستی صددرصد وجود ندارد و اقلیت‌های مختلف وجود دارند. با وجود اینکه منشور سازمان ملل و کنوانسیون‌های مختلف در دفاع از حقوق اقلیت‌ها قوانینی را وضع کرده و به تصویب کشورهای عضو رسیده است، ولی نحوه برخورد با این اقلیت‌ها در کشورهای غربی متفاوت بوده و حمایت کافی از این اقلیت‌ها صورت نمی‌گیرد. تبعیض نژادی در ذات غربی‌ها خصوصاً آمریکایی که عصاره‌ای از مهاجران اروپایی هستند، وجود دارد. این نژادپرستی ریشه در تفکرات گذشته مسیحیت، دوره استعمار قدیم و جدید دارد که خودشان را یک نژاد برتر می‌دانستند که جهش علمی و تمدنی مدیون آنها است و بقیه نژادها که به نوعی نژاد رنگین هستند باید تحت سلطه و نظارت آنها باشند. این یک تفکر اساسی در یک قرن گذشته در دنیای غرب خصوصاً آمریکا که غرب جدید می‌باشد، بوده است و هر از چند گاهی به صورت یک بحران جهانی نمایان می‌شود. تا یکصد



سال قبل اصل برده‌داری بر اساس همین نگاه تبعیض‌آمیز در اکثر کشورهای اروپایی وجود داشت و تنها بعد از جنبش‌ها و حرکت‌های جهانی باعث شد که مجبور شوند و طی یک اعلامیه لغو برده‌داری را بپذیرند، ولی در عمل این ریشه‌ها همچنان حفظ شده و استمرار پیدا کرده است. در این مقاله سعی بر این است که حقوق اقلیت‌ها و نحوه برخورد با آنها در کشورهای غربی مثل انگلستان، آلمان و برخی ایالات آمریکا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و سپس به بررسی نحوه برخورد دولت ایران با اقلیت‌های موجود در جامعه ما پرداخته و به مقایسه با جوامع غربی بپردازیم. سؤالی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، این است که آیا حقوق اقلیت‌ها در کشورهای مختلف به یک میزان رعایت می‌شود؟ فرضیه این است که ایران در مقایسه با کشورهای غربی حقوق اقلیت‌ها را رعایت کرده و تبعیض‌نژادی در ایران وجود ندارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱ تعریف اقلیت

تعاریف مختلفی از اقلیت می‌توان ارائه داد. در مفهوم لغوی، واژه اقلیت به معنای «کم بودن»، «قسمت کم‌تر» و در اصطلاح «گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر می‌باشند که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد، از اکثریت متمایز باشند.» (معین، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

در تعریف دیگر می‌توان گفت: اقلیت‌ها گروهی هستند که از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیرحاکم قرار دارند. این اعضا با داشتن تابعیت آن دولت، خصایص مذهبی، قومی یا زبانی متفاوت از دیگر افراد کشور دارند و هرچند به صورتی ضمنی، نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها،

مذهب و زبان خودشان احساس همبستگی دارند. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۷۸) بنابراین تعاریف می‌توان گفت اقلیت‌ها دارای تقسیم‌بندی‌های مختلف از لحاظ مذهبی، نژادی، زبانی، فرهنگی هستند. در این مقاله آنچه بیشتر مورد تأکید است، اقلیت‌های مذهبی به خصوص شیعیان هستند.

۱-۲ تبعیض نژادی

تبعیض از لحاظ لغوی، تقسیم و جداکردن بعضی از بعضی و بعضی را بر بعضی برتری دادن معنا شده است. (معین، ۱۳۸۱: ۴۲۲)

یکی از اشکال تبعیض، تبعیض نژادی است که بر اساس رفتارهای نژادپرستانه به وجود آمده است. از نژادپرستی همچون سایر مفاهیم علوم انسانی، تعبیر مختلفی ارائه شده است. آنگونه که تا آخر دهه ۱۹۶۰ نژادپرستی را به عنوان ایدئولوژی و یا مجموعه‌ای از باورها تعریف می‌کردند. عنصر اساسی این ایدئولوژی آن بود که نژاد، تعیین‌کننده فرهنگ است و ادعای برتری نژادی نیز از همین اندیشه ناشی شد. از نگاه دیگر، این واژه معنای گسترده‌تری یافت که شامل رویه‌ها و نگرش‌ها، علاوه بر باورها نیز می‌شد. نژادپرستی در این معنا به تمامی مجموعه عواملی اشاره دارد که موجب تبعیض نژادی می‌شود و گاهی اوقات با مسامحه عواملی را شامل می‌شود که محرومیت نژادی ایجاد می‌کند. (گوردزی، ۱۳۸۵: ۹۷)

نژادپرستی باوری است که بر حسب آن یک گروه نژادی، خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌دانند و یکی از قدرتمندترین و مخرب‌ترین اشکال تبعیض است. (کوئن، ۱۳۸۰: ۳۴۹)



نژادپرستی اعتقادی است که بر اساس آن برخی گروه‌های انسانی با ویژگی‌ها و یا خصوصیات خاص نسبت به گروه‌های دیگر برتر یا پست‌تر محسوب می‌شوند. رفتار نژادپرستانه ممکن است همیشه به صورت واضح و آشکار بروز نماید. مثل اینکه برخی‌ها را به خاطر نژاد یا رنگ پوستشان تهدید کنند. این رفتارها ممکن است گاهی پنهانی و غیرمعمولی باشد، مثل زمانی که یک جامعه به طور سیستماتیک با گروه‌های مختلف بر اساس قضاوت تبعیض‌آمیز، رفتار می‌نماید. رفتار نژادپرستانه اغلب منجر به تبعیض نژادی می‌شود که پیامدهای منفی مشخصی دارد. این رفتارها ممکن است در برخی موارد ساده بوده و در حد نادیده گرفتن حقوق افراد محدود شوند و در برخی موارد پیچیده و خطرناک باشند که منجر به محروم ساختن افراد از حقوق حقه خود گردند. (رضایی، ۱۳۸۴: ۷۷)

بر اساس تعریفی که از نژادپرستی ارائه شد، می‌توان گفت هرگونه عامل تفاوت میان افراد مختلف که جنبه نژادپرستی به خود بگیرد، عامل تبعیض محسوب می‌شود. یکی از این عوامل، دین است. غربی‌ها دین اسلام را به عنوان یک نژاد در نظر گرفته و به همین دلیل اسلام به عنوان یک عامل تبعیض حساب می‌شود. در برخورد با مسلمانان موجود در جوامع غربی، حقوق آنان رعایت نشده و پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی و به تبع آن اسلام‌ستیزی به وجود می‌آید. در ذیل ابتدا به بررسی حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی پرداخته و سپس اسلام‌هراسی و مراحل آن عنوان می‌شود.

۲. بررسی حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی

تا قبل از جنگ جهانی اول مسئله حقوق اقلیت‌ها مورد توجه نبود و به راحتی مورد نقض قرار می‌گرفت. عده‌ای هم بر این اعتقاد بودند که آنچه باعث ایجاد جنگ جهانی اول شد، مسئله اقلیت‌های قومی و ملی بود. بر اساس همین تفکر، دور از ذهن نبود که بعد از جنگ به صورتی کمرنگ به مسئله اقلیت‌ها پرداخته شود. اولین کنوانسیون‌هایی که پس از جنگ جهانی اول به حمایت از حقوق اقلیت‌ها پرداخت، کنوانسیون ۱۹۳۸ بود که در آن بر ممنوعیت و مجازات نسل‌کشی تأکید شد. این کنوانسیون، بخشی از حقوق جزایی بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و به برخی از حقوق رفاهی اقلیت‌ها توجه دارد. (ترنبری، ۱۳۷۹: ۲)

در فاصله دو جنگ جهانی، یعنی از پایان جنگ اول تا آغاز جنگ جهانی دوم، دو موضوع حفظ صلح جهانی و حفظ حقوق اقلیت‌ها با هم در تعارض قابل توجهی بودند و بیشتر دولت‌ها حفظ صلح جهانی را بر دیگری ترجیح می‌دادند. به این ترتیب بود که جنگ جهانی دوم به بهانه حفظ حقوق اقلیت‌های آلمانی به وقوع پیوست. (همان، ۳۴)

پس از جنگ جهانی دوم و انحلال جامعه جهانی به نظر می‌رسید با تشکیل سازمان ملل کاستی‌های قبل جبران شود و این سازمان جهانی بتواند خلأهای موجود را در زمینه حقوق اقلیت‌ها جبران نماید. بر همین تفکر، اسناد مختلف به نحو عام و یا به صورت خاص، مسئله رعایت حقوق اقلیت‌ها را بیشتر و جدی‌تر مورد توجه قرار دادند. (Thornberry, ۲۰۰۱: ۵۶) از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:



الف. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، در ماده ۳۲ خود آورده است، کشورهای طرف آن بدون هیچ‌گونه تبعیضی حقوق شناخته شده در این کنوانسیون را برای کلیه افراد در قلمرو تحت صلاحیتشان، محترم شمرده و تضمین می‌کنند و در ۲۶ حکم کلی رفع تبعیض را بیان می‌کند.

ب. کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، علاوه بر زبان‌ها و خطراتی که تبعیض نژادی برای جامعه در بر داشت، نفس ناحق بودن و نادرست بودن مبنای تبعیض نژادی موجب شد که سازمان ملل متحد، محو تبعیض نژادی را هدف کار خویش قرار دهد و بدین ترتیب با بالا گرفتن نگرانی بین‌المللی از تبعیض نژادی، نخستین گام را مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۳ با تصویب اعلامیه محو تبعیض نژادی در این زمینه برداشت. اعلامیه به چهار نکته مهم اشاره داشت:

۱- هرگونه دگرگونی و نظریه مبتنی بر اختلاف نژادی یا برتری نژادی از نظر علمی غلط، از لحاظ اخلاقی محکوم و از لحاظ اجتماعی غیرعادلانه و خطرناک است و هیچ‌گونه توجیه علمی و عملی ندارد.

۲- تبعیض نژادی، حقوق اساسی بشر را نقض می‌کند، روابط دوستانه بین افراد، همکاری ملت‌ها و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد.

۳- تبعیض نژادی نه تنها به کسانی که مورد تبعیض قرار می‌گیرند، صدمه می‌زند، بلکه برای مرتکبین تبعیض نیز زیان‌آور و خطرناک است.

۴- هدف اساسی و مبنایی سازمان ملل متحد، داشتن یک جامعه جهانی است که از جدایی و تبعیض نژادی که عوامل دشمنی و تفرقه هستند، آزاد باشد.

(مهرپور، ۱۳۷۷: ۸۴)

ج. اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیت‌ها، مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل به نحو روشن تری توجه به حفظ هویت اقلیت‌ها را بیان کرده است. ماده ۱ این اعلامیه می‌گوید: «دولت‌ها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمی‌کند.» (Nielsson, ۲۰۰۲: ۲۳۴)

بدین ترتیب می‌توان گفت در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به رفع تبعیض و حقوق اقلیت‌ها پرداخته شده است، ولی مدعیان همیشه در صحنه حقوق بشر در کشورهای غربی با وجود اینکه از این قوانین آگاهی دارند، کمترین تلاشی را برای احقاق حقوق اقلیت‌ها نمی‌کنند و این بی‌عدالتی، اقلیت‌ها را به مظلومان همیشه تاریخ در کشورهای غربی تبدیل کرده است.

۳. اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی (ترس از اسلام) مفهومی است که به ترس و پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد. اگرچه سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ استفاده بیشتری از این اصطلاح شد. مؤسسه رانیمد تراست در انگلیس، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در ۱۹۹۷ اسلام‌هراسی را ترس و نفرت از اسلام و بنابراین، ترس و نفرت از همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. همچنین اسلام‌هراسی در بردارنده این برداشت است که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌ها است. در مقایسه با غرب



در موقعیتی فرودست قرار دارد و بیش از آنکه دین باشد، یک ایدئولوژی سیاسی است. مؤسسه رانیمد تراست، به طور اختصار چنین گفته است: «اسلام‌هراسی، ترس و اکراه بی‌اساس در برابر مسلمانان که باعث دفع آنها و تبعیض علیه آنها می‌شود.» پس می‌توان اسلام‌هراسی را محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی انکار اکثریت میانه‌روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان برخورد با تعارضات مربوط به مسلمانان به عنوان امری الزاماً حاصل اشتباهات آنان تأکید بر اینکه مسلمانان در صدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند و اعلان جنگ علیه کلیت اسلام تعریف کرد. (Freedman, ۲۰۰۱: ۲۱)

۳-۱ مراحل اسلام‌هراسی

پدیده اسلام‌هراسی در دنیای معاصر را می‌توان به لحاظ تاریخی در چند مرحله تقسیم‌بندی نمود، این مراحل به اجمال عبارتند از:

۳-۱-۱ مرحله اول

مرحله اول این پروژه به صورت مشخص از اواخر دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. چرایی عملیاتی شدن اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی نیز به موضوعاتی چون پیروزی انقلاب اسلامی و رشد و از سرگیری جریان‌های تندرو و بنیادگرای اسلامی در جهان اسلام دانست. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست پیروزی باعث به وجود آمدن و ظهور خودآگاهی دینی در میان مسلمانان و بازیابی هویت اسلامی شد و این مهم نیز گفتمان بیداری اسلامی را به منصف ظهور رسانید و گفتمان بیداری اسلامی تدریجاً به گفتمان مسلط جهان اسلام تبدیل گردید. (مردن، ۱۳۷۵: ۳۵)

۳-۱-۲ مرحله دوم

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ آغاز می‌شود. با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق مطابق دیدگاه‌های محافظه‌کارانه افرادی چون لئواشترانس مبنی بر وجود یک دشمن واقعی یا فرضی به عنوان یکی از راهبردهای سیاست خارجه ایالات متحده، پروژه اسلام‌هراسی مورد اهتمام و توجه بازیگران سلطه‌گر قرار گرفت. در همین راستا مراکز تصمیم‌ساز ایالات متحده سعی کردند برای پر کردن خلأ بیگانه‌هراسی و محاصره‌اندیشی، خطر اسلام را جایگزین خطر کمونیسم نمایند. (سعید، ۱۳۷۹: ۳۸۰)

از این رو و در فاز جدید، راهبرد اسلام‌هراسی را از مجاری صرف تبلیغاتی خارج کرده و به آن زیر ساخت به اصطلاح علمی و فرهنگی دادند. در این رابطه و در سال ۱۹۹۳ تئوری برخورد تمدن‌ها از سوی «ساموئل هانتینگتون» مطرح گردید. هانتینگتون در نظریه خود که به جهان پس از فروپاشی بلوک شرق نظر دارد، سخن از شکل‌گیری تمدن‌ها می‌کند و از این پس روابط و منازعات بین‌الملل را در عرصه فرهنگی و تمدنی می‌داند. وی از میان تمدن‌های نام برده بیش از همه به تمدن اسلامی تأکید می‌ورزد و معتقد است که جهان غرب باید به گونه‌ای این تمدن را مهار کند.

القاء این مفاهیم که قوانین اسلامی ناقض حقوق بشر است، اسلام دینی خشونت طلب و مروج عصبیت است، دین اسلام بنیادگرا و مخالف علم و پیشرفت می‌باشد، اسلام مولد اندیشه تروریسم است و... بخشی از فاز جدید اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در این مرحله را شامل می‌شود.



۳-۱-۳ مرحله سوم

سومین موج اسلام‌هراسی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشنگتن عملیاتی شد. در این مرحله رسانه‌های تحت کنترل نظام سلطه سعی کردند، بنیان روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون سازند. از این رو به شدت و حدت گسترده‌ای این عبارت که خطوط گسل تمدنی بین اسلام و غرب فعال شده است را القاء می‌کردند. (همو، ۱۳۷۳: ۵۸)

بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر بود که جورج بوش اعلام می‌کند که جنگ‌های صلیبی مجدداً شروع شده است. وی کشورها را از این پس به دو گروه دوست ایالات متحده و دشمن ایالات متحده تقسیم‌بندی می‌کند که هر که با ما نیست پس بر ما است. (مردن: ۳۹) از این روی سخن از محور شرارت کرده و کشورهای ایران و کره و سوریه را به عنوان کشورهای حامی تروریست و نقض‌کننده منافع دنیای آزاد و جهان غرب معرفی می‌کند.

دو روز پس از انفجارهای ۱۱ سپتامبر، روزنامه هراالدتریبون در مقاله‌ای به قلم جان وینکور نوشت که این حوادث برخورد تمدن‌های اسلامی و غرب را آشکار ساخته است. (همان: ۶۷)

اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی توسط امپراتوری‌های خبری و رسانه‌ای نظام سلطه آنچنان ساماندهی شد که نخست وزیر وقت ایتالیا در اظهاراتی نسنجیده تمدن غرب را اصیل‌تر از تمدن اسلامی خواند و مسلمانان را به علت آنچه او فرودستی می‌نامید، مورد تحقیر قرار داد. (لویس، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

در ادامه این روند، فوکویاما یک ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین تأکید کرد که اسلام تنها نظام فرهنگی است که مدرنیته غربی را تهدید می‌کند. او تصریح کرد که آمریکا می‌تواند برای شکستن مقاومت کشورهای اسلامی در برابر مدرنیته از توان نظامی خود استفاده کند. (سعید، ۱۳۷۹: ۳۸۰)

در همین رابطه ویلیام کوهن، وزیر دفاع اسبق آمریکا و از استراتژیست‌های برجسته این کشور اعلام داشت جنگ آمریکا و متحدانش با اسلام، جنگ چهارم جهانی است. وی جنگ جهانی سوم را دوران جنگ سرد و به مدت ۴۵ سال می‌داند و جنگ جهانی چهارم را هم نبرد بین تمدن غرب و اسلام معرفی می‌کند. (منصوری، ۱۳۷۵: ۳۹۲-۳۷۹)

۴. حقوق اقلیت‌ها در آلمان

آلمان در حالی همیشه خود را به عنوان یکی از مدعیان حقوق بشر در جهان معرفی کرده و در اقداماتی مداخله‌جویانه پیوسته انتقادهایی را متوجه برخی کشورها در این زمینه می‌کند که خود از پرونده‌چندان روشنی در زمینه حقوق بشر و رعایت حقوق مهاجران و اقلیت‌ها برخوردار نیست. دولت آلمان در دفاع از حقوق ایرانیان در عرصه جهانی کارشکنی‌های مختلف انجام داده و حقوق ایران را به شدت نقض کرده است. از جمله این کارشکنی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تأمین سلاح‌های کشتار جمعی میکروبی و شیمیایی برای عراق در جنگ

۸ ساله بین ایران و عراق



۲- ایفای نقش منافقانه و تبعیض آمیز در تعامل با مردم ایران و جلوگیری از دستیابی مردم ایران به انرژی صلح آمیز هسته‌ای و فضا سازی خارج از چارچوب و خلاف واقع مسئولین آلمان در مورد انرژی صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

۳- دامن زدن به ایران‌هراسی با نمایش دروغین نقض حقوق بشر در ایران نظیر سخنرانی توهین آمیز گیدو وستورله وزیر امور خارجه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

همچنین تصویب قوانین تبعیض آمیز ضد حقوق اقلیت‌های مسلمان مانند: قانون منع حجاب معلمان در مدارس و دانشگاه‌ها مصوب ۲۰۰۶ آن هم در شرایطی که اسلام سومین دین آلمان است و ۴ میلیون نفر مسلمان در آلمان وجود دارد، در اقدام مشابهی ۸ ایالت از ۱۶ ایالت قوانین مشابهی را تصویب کرده‌اند. گذاردن قانون منع ثبت اسلام در هنگام تولد یا طلاق در ۲۰۰۸ و جلوگیری از تحصیل تعدادی از دختران آلمانی به خاطر حجاب نمونه دیگری از نقض آزادی‌های مذهبی است که حتی خلاف قانون اساسی و قوانین مدنی گذشته آلمان، فشار تبعیض بر جامعه ۴ میلیونی مسلمانان آلمان کار را به جایی رسانده که جامعه مسلمانان آلمان از مشکلات روحی و روانی ناشی از تبعیض رنج می‌برد.

اشپیگل همچنین از تبعیض علیه مسلمانان مهاجر در آلمان خبر داد. نرخ بیکاری مسلمانان ترکیه به ویژه در شهرهای برلین و هامبورگ دو برابر میانگین ملی است. ۲۸ درصد ترک‌های جویای کار با تبعیض مواجه‌اند و با ۲۳ درصد

آنها در محیط کار بدرفتاری می‌شود. همچنین مقامات آلمانی به شدت به اسلام‌هراسی دامن زده و اقدامات متعددی در این زمینه انجام می‌دهند. از جمله:

- ۱- اجازه نمایش فیلم‌های با موضوع اسلام‌هراسی نظیر نمایش فیلم ضد اسلامی به وسیله خانه سینمای آلمان به نام «بله من می‌خواهم» در سینماهای مناطق «نویا کلن» و «شونابروگ». این فیلم به طور غیرمستقیم از حجاب انتقاد می‌کند و آشکارا نسل دوم از مسلمانان را به روی گردانی از عادات و تقالید اسلامی تحریک می‌کند.

- ۲- ایجاد مرکز شستشوی مغزی مسلمانان در آلمان. در این مرکز قرار است پیروان ادیان دیگر که به دین اسلام گرویده‌اند و یا مسلمانان مقیم و مهاجر الاصل که از نگاه دولت برلین افراطی و یا خطرناک تشخیص داده می‌شوند، به میانه‌روی مورد تأیید دولت آلمان تشویق شوند.

- ۳- اجازه انتشار کتب ضد اسلامی و ضد شیعه به عنوان نمونه در آخرین کتاب با کتمان حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیات خوارج و شیعه در طول تاریخ به عنوان دو حزب با اشتراکات فراوان نشان داده شده و هر دو به عنوان احزاب سیاسی همیشه مخالف در صدر اسلام جلوه داده شدند.

- ۴- تبدیل آلمان به پایگاه همیشگی برای برگزاری کنفرانس‌های ضد اسلامی در اروپا

- ۵- هشدار مقامات آلمان درباره خطر اسلام‌گرایی در این کشور وزیر امور داخلی ایالت باواریای آلمان نیز با ابراز نگرانی از روند روز افزون گرایش به اسلام در میان مردم آلمان، این مسئله را نگران کننده دانست.

بر اساس گزارش کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد موارد متعدد نقض این مورد در آلمان مشاهده شده است. تخریب و تحقیر جایگاه زن (نمایش زن به عنوان یک شی جنسی و محبوس در نقش‌های اجباری)، تبعیض حرفه‌ای زنان (افزایش بیکاری طولانی مدت زنان، افزایش تعداد زنان مشغول به کار در مشاغل پاره وقت کم درآمد و کم ارزش، ادامه تبعیض در میزان دستمزد و تفاوت در ارزش و موقعیت شغلی زنان و مردان)، تبعیض علیه زنان مهاجر و اقلیت‌ها (به ویژه زنان سیتی و رومانیایی و در معرض انواع خشونت‌های جنسی، قومی، مذهبی و نژادپرستانه، وضعیت اسفبار بهداشت، آموزش و شغل آنها)، بهره‌برداری جنسی از زنان و عدم ارائه آمار آن به وسیله دولت آلمان، نقایص در حوزه قانونگذاری و اصلاحات مضر برای حقوق زنان دولت فدرال.

شرایط زنان مسلمان محجبه در آلمان بسیار وخیم‌تر است و علاوه بر تبعیض، در معرض تحقیر و توهین در محل کار خود قرار دارند. طبق قانون آلمان، اشتغال زنان محجبه در اداره‌ها و مشاغل دولتی ممنوع است، اما به گفته زنان مسلمان این کشور، این قانون به بخش خصوصی نیز تسری یافته است. اشیگل افزود: مسلمانان آلمان در زمینه تحصیل نیز با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. به گونه‌ای که معلمان آلمانی در چارچوب تصورات کلیشه‌ای رایج با دانش‌آموزانی با فرهنگ و مذهب دیگر رفتاری توهین‌آمیز دارند. به اعتقاد کارشناسان علوم اجتماعی، جامعه آلمان می‌خواهد فاصله خودش را با مهاجران حفظ کند و حتی کودکانی را که از والدین مهاجر در آلمان متولد می‌شوند، شهروند آلمان تلقی نمی‌کند و رفتاری توهین‌آمیز با آنها در پیش می‌گیرد. (رمضانی، ۱۳۸۹)

۵. حقوق اقلیت‌ها در انگلستان

انگلیس از جمله کشورهای غربی است که در تنظیم سیاست خارجی خود همواره مدعی است که موضوع حقوق بشر را به طور خاص و به عنوان یک اولویت مهم در مناسبات خود با سایر کشورها مورد توجه قرار می‌دهد. حقوق بشر در آغاز هزاره سوم به رکن محوری نظام حقوقی به سرعت در حال تغییر انگلیس بدل شده است، اما آنچه از گزارشات و واقعیات موجود در جامعه انگلستان برمی‌آید برخلاف این است و بیانگر این واقعیت است که در این دولت حقوق بشر رعایت نمی‌شود. اقلیت‌های موجود در این جامعه در معرض انواع خشونت‌ها قرار داشته و حقوق حداقلی آنان رعایت نمی‌شود و از سمت دولت انگلیس مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، انگلیس به بهانه تأمین امنیت خود لوایحی را به تصویب رساند که دستاوردی جز دامن زدن به اسلام‌هراسی و منزوی کردن مسلمانان در این سال‌ها نداشته است. مسعود شجره، رییس کمیسیون حقوق بشر اسلامی در گفتگو با ایرنا گفت: در حال حاضر اسلام‌هراسی به گونه‌ای شده که جزئی از فرهنگ روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و حتی سیاستمداران انگلیسی درآمده است. شجره افزود: متأسفانه تعداد زیادی از اقلیت‌های قومی و مسلمانان در زندان‌های پلیس انگلیس کشته شده‌اند و متأسفانه هیچ وقت نشده است که پلیس را تحت نظر بگیرند، چه برسد به اینکه محاکمه بشوند و یا محکوم بشوند و این مسئله نشان می‌دهد که این سیستم از نمایندگان خود حتی موقعی که خلاف قانون انجام می‌دهند، دفاع می‌کند و نمی‌گذارند اشخاص به حششان برسند. (گزارش نقض حقوق بشر در انگلستان، ۲۰۱۳: ۶۹)

دولت انگلیس اقلیت‌های دینی را تحت فشار قرار می‌دهد. مقامات لندن همواره جامعه مسلمان را به اتهام ارتباط با تروریست‌ها محدود کرده و مانع فعالیت آزاد مسلمانان در این کشور شده‌اند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دولت انگلیس بیش از پیش مسلمانان انگلیسی را تحت فشار قرار داده و با آنان به شکلی خشن و تبعیض‌آمیز رفتار می‌نمود. چنانکه دولت انگلیس در سال ۲۰۱۳ با نصب دوربین در مناطق مسلمان‌نشین این کشور به بهانه مبارزه با اقدامات تروریستی حقوق شهروندان مسلمان انگلیسی را نقض می‌کرد. پلیس این کشور بیش از ۲۰۰ دوربین مدار بسته را در مناطق مسلمان‌نشین انگلیس نصب کرد که برخی از آنها مخفی و برخی دیگر در انظار عمومی قرار گرفتند. گفته می‌شود که ارزش ۴۰ دوربین ای.ان.پی.آر که به طور پنهان و ۶۰ دوربین استاندارد سی.سی.تی.وی که آشکارا نصب شده‌اند، معادل ۳ میلیون پوند است که از محل بودجه تروریسم تأمین می‌شوند. راجر گادسیف از نمایندگان پارلمان انگلیس اجرای این طرح را مرگ آزادی‌های مدنی خواند. (همان، ۷۷)

اسلام‌ستیزی در غرب تنها به وضع قوانین تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان محدود نمی‌شود. طبق آمار به دست آمده حدود ۵۸ درصد از کسانی که بین آوریل ۲۰۱۲ و آوریل ۲۰۱۳ حملات ناشی از اسلام‌هراسی در انگلیس را تجربه کردند، زن بودند. قتل یک زن مسلمان در انگلستان به جرم داشتن حجاب نمونه دیگری از نقض حقوق زنان اقلیت شیعه در این کشور است. پلیس انگلیس در سال ۲۰۱۴، اعلام کرده است این زن مسلمان سعودی که سی ساله بوده و چند ماه پیش با برادرش برای تحصیل به انگلستان آمده به خاطر تعداد ضربات چاقو بر سر و سینه خود کشته شده است. دانشجویان و اساتید دانشگاه اسکس

که محل تحصیل این زن بوده به شدت در شوک به سر می‌برند؛ چراکه اکثر محصلان این دانشگاه از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف جهان در آن مشغول به تحصیل می‌باشند. سفارت عربستان سعودی در لندن اعلام کرده است، پیگیری قتل این زن است. یک مرد ۵۲ ساله نیز در ارتباط با این قتل بازداشت شده است. بر اساس آخرین تحقیقات توسط نشریه فایننشال تایمز، انگلستان یکی از بدترین کشورها در زمینه اسلام‌هراسی است. (همان، ۵۹)

۶. حقوق اقلیت‌ها در آمریکا

آمریکا در زمان تأسیس، خود را به عنوان کشور مدافع حقوق بشر، آزادی و دموکراسی معرفی کرد و زمانی هم که مهاجران از کشورهای اروپایی به این کشور آمدند، آزادی انسان‌ها را همواره مورد تأکید شعارهای خود قرار داد، اما بعد از مدتی که ثروت و منافع اقتصادی خود را در داخل افزایش داد، شروع به خرید و فروش بردگان و اسیران آفریقایی کرد. امروزه اقلیت‌های دینی و نژادی بیشتر از سایر شهروندان آمریکایی در معرض خشونت، زورگیری و آزار و اذیت قرار می‌گیرند. خانه تقریب به نقل از دیده‌بان آمریکا: اقلیت‌های دینی و نژادی بیشتر از سایر شهروندان آمریکایی در معرض خشونت، زورگیری و آزار و اذیت قرار می‌گیرند. بسیاری از سفیدپوستان آمریکایی، از مأموران پلیس گرفته تا دولتمردان، شهروندان معمولی و حتی دانش‌آموزان مدارس هریک به طریقی رنگین‌پوستان و اقلیت‌های دینی را مورد آزار قرار می‌دهند. در صورتی که خصوصیات ظاهری یک فرد از رنگ پوست گرفته تا آرایش موها و نوع پوشش و لباسش آشکارکننده اعتقاد وی به مذهب یا قومیتی خاص باشد، احتمال قرار گرفتن وی در معرض خشونت به مراتب بیشتر می‌شود.

مشکلات مربوط به تبعیض نژادی در آمریکا در حدی است که به یکی از معضلات عمیق اجتماعی این کشور تبدیل شده است. برگزاری مناظره میان «تیم کین» نامزد معاونت هیلاری کلینتون و «مایک پنس» نامزد معاونت دونالد ترامپ در دانشگاه «لانگ وود» در ایالت ویرجینیا که به عنوان مکانی برای اعتراض به جداسازی نژادی شهرت دارد، نشان از وخامت بحران تضاد نژادی در جامعه آمریکا است. مسئله گسست و تضاد نژادی در جامعه آمریکا با توجه به کشته شدن شمار زیادی از سیاه‌پوستان به ضرب گلوله پلیس سفیدپوست، آنقدر حاد شده است که سناتور تیم کین نامزد معاونت ریاست جمهوری از سوی هیلاری کلینتون در ابتدای مناظره خود در دانشگاه لانگ وود (یکی از نمادهای مبارزه با نژادپرستی) چنین گفت: «خیلی خوشحالم که بار دیگر به دانشگاه لانگ وود در ویرجینیا باز گشته‌ام. اینجا مکانی فوق‌العاده است. شصت و پنج سال پیش یک زن شجاع به نام باربرا جونز از مدرسه (دبیرستان) خارج شد و به جداسازی نژادی در مدارس اعتراض کرد و بدین ترتیب تاریخ ساز شد.» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵)

به گزارش مرکز تحقیقاتی «پیو»، مسلمانان آمریکا در میان دیگر اقلیت‌های این کشور با بیشترین تبعیض مواجه‌اند. تبلیغات اسلام‌هراسانه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر تأثیر بسیاری بر این نگاه تبعیض‌آمیز داشته است. این تبلیغات منفی باعث شده است که ۶۵ درصد از آمریکایی‌ها، اسلام را دینی متفاوت از سایر ادیان و مرتبط با تروریسم تلقی نمایند.

از دیگر نشانه‌های افزایش روزافزون خشونت علیه مسلمانان در آمریکا، افزایش آشکار شمار گروه‌های افراطی و به اصطلاح میهن‌پرست در این کشور

است. اقلیت‌های مذهبی به ویژه مسلمانان هدف اصلی اقدامات خشونت‌آمیز این گروه‌ها هستند. شمار این گروه‌ها از ۱۴۹ گروه در سال ۲۰۰۸ به ۵۱۲ گروه در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. با این وجود خشونت علیه مسلمانان بازتاب بسیار اندکی در رسانه‌های دولتی آمریکا دارد. مقامات کاخ سفید از یکسو در مقابل گزارشات منتشر شده از وضعیت نابسامان اقلیت‌های مذهبی در این کشور سکوت می‌کنند و از سوی دیگر دم از آزادی و حقوق بشر می‌زنند. (مرکز هم‌اندیشی ادیان توحیدی خانه تقریب، ۱۳۹۳)

۷. بررسی موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به تبعیض نژادی و حقوق اقلیت‌ها

در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران اقلیت‌های غیرمسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران از اعضای ملت محسوب می‌شوند. اقلیت‌ها ضمن تمایل به برابری با اکثریت مسلمان، خواهان اقدامات حمایتی از سمت دولت ایران هستند که چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی تأکید ویژه‌ای به حقوق آنها شده و مورد حمایت هستند. پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، از ویژگی‌های بارز ایرانیان در طول تاریخ کهن این سرزمین بوده و هست و ایرانیان سالیان متمادی است که حقوق اقلیت‌ها را در کنار اکثریت مسلمان رعایت کرده‌اند و فرهنگ و مذهب در این کشور هرگز زمین مساعدی برای کشت و پرورش تحقیرهای مذهبی و نژادی نبوده است.

اقلیت‌های دینی مورد نظر از لحاظ حقوقی، شرایط لازم را به‌عنوان اهل کتاب (منظور در قرآن) دارا هستند و در نتیجه از حقوق مترتب بر آن برخوردار خواهند بود. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳)

با مطالعه اصول ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اذعان کرد که در این قانون یک سلسله حقوق اساسی از قبیل تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان، مال، شغل، مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و امثال این‌ها برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف‌نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی و مذهبی به رسمیت شناخته است و همگی بدون هیچ تبعیضی از این حقوق می‌توانند بهره‌مند گردند. (احمدزاده، ۱۳۹۱: ۱۶)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سیزدهم که اقلیت‌های دینی رسمی را سه دین یهودی، مسیحی و زرتشتی معرفی می‌کند و اینگونه بیان می‌کند: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران چتر شناسایی را برای همه اقلیت‌های دینی موجود در این سرزمین باز نکرده است، بلکه با توجه به مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد قانون اساسی متبلور است و همچنین طبق اصل ۱۳ قانون اساسی فقط زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان که دارای ادیان توحیدی هستند به‌عنوان «اقلیت‌های دینی» شناسایی می‌شوند:

اقلیت‌ها، حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی خود را دارند. قانونگذار نیز اجرای مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد می‌داند؛ زیرا همراه برخی از اعمال عبادی آنان ممکن است مراسمی باشد که اجرای علنی آن در جامعه مسلمانان حرام و در جمهوری اسلامی خلاف قانون محسوب شود. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۴)



در اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی نیز به صراحت بر برابری افراد ملت ایران بدون تمایز حتی زن و مرد تأکید می‌شود. در اصل نوزدهم اینطور بیان شده است که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و در اصل بیستم پس از تأکید حمایت یکسان قانون از افراد ملت، با قید رعایت موازین اسلام، برخورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به طور یکسان مقرر می‌دارد. (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۶۷)

با توجه به برخی از اصول مانند بند ۸ ماده سوم که مشارکت عامه را مقرر می‌دارد و اصل بیستم که ناظر بر برابری آحاد ملت است و همین طور اصل ششم قانون اساسی که اداره کشور را با اتکا به آراء مردم می‌داند، روشن است که حق مشارکت سیاسی اقلیت‌ها برای انتخابات مقامات و مسئولین کشور همانند دیگر آحاد ملت است. این مشارکت زمانی به کمال می‌رسد که اصل شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.» (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۵۸)

طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. ضمانت اجرای تخلف از مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی و به عبارتی تمام اصول قانون اساسی را باید در حقوق کیفری جست‌وجو کرد؛ زیرا حقوقدانان رابطه‌ی مستقیمی بین حقوق کیفری و رشته‌های مختلف حقوق شناخته و به ویژه حقوق کیفری را ضامن اجرای آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌دانند. برای مثال قانون اساسی



انجام هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم را ممنوع نموده و مرتکب آن را مستحق مجازات می‌داند. از سوی دیگر، دارا بودن ضمانت اجرایی از صفات بارز هر قاعده‌ی حقوقی است و نظر به اینکه قانون اساسی پس از طی تشریفات تصویب، امضاء و انتشار، شکل قاعده‌ی حقوقی به خود می‌گیرد. از این رو اجرای آن بر همگان و به ویژه دولت، امری واجب و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. (شعبانی، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۵) و در اصل شصت و هفتم که مربوط به سوگند خوردن نمایندگان در بدو انتخابات و نخستین جلسه مجلس شورای اسلامی است که مقرر می‌دارد: «نمایندگان اقلیت‌های دینی با ذکر کتاب آسمانی خود ادای سوگند کنند.»

رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی بر پایه همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان شهروند ایرانی همواره مانند سایر افراد جامعه در تمام عرصه‌ها مورد توجه قرار گرفته که این امر منجر به حضور فعال و گسترده این افراد در جامعه شده است. بنابراین، در مقایسه با حقوق اقلیت‌ها در کشورهای غربی می‌توان دریافت که ایران در برخورد با اقلیت‌ها بسیار منصفانه عمل کرده و شرایط زندگی و اجرای مراسم و مناسک مذهبی، آزادی عقیده، آزادی بیان را به طور کامل برای غیرمسلمانان فراهم نموده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی حقوق و امکانات خاص اقلیت‌ها در کشورهای مختلف درمی‌یابیم که در کشورهای غربی علی‌رغم تصویب قوانین حمایتی در مورد حقوق اقلیت‌های مختلف دولت‌ها در برابر این اقلیت‌ها بسیار سلیقه‌ای عمل کرده و موارد متعدد نقض حقوق اقلیت‌ها و به خصوص شیعیان و زنان شیعه وجود دارد، اما با تأمل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در می‌یابیم که تدوین‌کنندگان قانون اساسی در نگارش و تصویب قانون اساسی ضمن اساس قرار دادن شرع مقدس نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با اقلیت‌ها نیز بی‌توجه نبوده‌اند. بر همین اساس در قوانین عادی نیز حقوقی در راستای تضمین اصل ۱۳ قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده است که از جمیع این قوانین می‌توان دریافت اقلیت‌های ایران با وجود جمعیت کم از امکانات مناسبی نسبت به اقلیت‌های ساکن در کشورهای دیگر برخوردارند. پر بی‌راه نیست که چنین بیان نمود در مواردی چون اختصاص یک نماینده مجلس به اقلیت‌ها با وجود جمعیت کم آنها و یا حضور نمایندگان اقلیت در مجلس تدوین قانون اساسی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مترقی‌تر و پیشروتر از اسناد حقوق بشری عمل نموده است.

آخرین نکته این که با مذاقه در روح کلی قانون اساسی دریافت می‌شود، اصول قانون اساسی ایران در برخورد با اقلیت‌های دینی و مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است. این عدالت و انصاف همچنین زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم ساخته، بر آن تأکید و توصیه دارد که خود سبب حفظ و استمرار هویت گروه‌های اقلیتی در جمهوری اسلامی ایران بوده است.



منابع

- ۱- احمدزاده، امید (۱۳۹۱) بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره دوم.
- ۲- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۵) تبعیض نژادی معضل جامعه آمریکا.
- ۳- تُرنبری، پاتریک (۱۳۷۹) حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه آزیتا شمشادی و علی اکبر آقایی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- رمضانی (۱۳۸۹) آلمان بهشت نقض حقوق بشر و آزادی‌های مذهبی.
- ۵- سازمان ملل متحد (۱۳۸۴) الفیای آموزش حقوق بشر، مترجم سهراب رضایی، تهران، عابد.
- ۶- سعید، ادوارد (۱۳۷۹) اسلام رسانه‌ها، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس، چاپ اول.
- ۷- شعبانی، قاسم (۱۳۷۳) حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات، چاپ نخست.
- ۸- عزیزی، ستار (۱۳۸۵) حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان، نور علم.
- ۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶) تهران، انتشارات میزان.
- ۱۰- کوئن، بروس (۱۳۸۰) مبانی جامعه‌شناختی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران.
- گزارش نقض حقوق بشر در انگلستان، سال ۲۰۱۳.
- ۱۱- گودرزی، حسین (۱۳۸۵) مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران، تمدن ایران.
- ۱۲- مردن، سیمون (۱۳۷۹) تقابل فرهنگی در روابط بین‌الملل اسلام و غرب، ترجمه احمد علیخانی، تهران، آرین، چاپ اول.

۱۳- مرکز هم‌اندیشی ادیان توحیدی خانه تقریب مسلمانان، (۱۳۹۳) قربانیان شماره یک خشونت‌های مذهبی در آمریکا. بنگرید به سایت:

<http://www.religionscenter.com/religious-minorities-rights/in-west>

۱۴- معین، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ دو جلدی، تهران، انتشارات آدنا.

۱۵- معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی، تهران، ادنا، چ ۴، ج ۱.

۱۶- منصوری، جواد (۱۳۷۵) اقلیت‌های مسلمانان و بحران هویت در غرب در مجموعه مقالات مسلمانان در کشورهای غیراسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب المذاهب.

۱۷- مهرپور، حسین (۱۳۷۷) نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۸- همو، برخورد (۱۳۷۳) آرای مسلمانان و مسیحیان: تفاهمات و سوء تفاهمات،

ترجمه محمدحسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

۱۹- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران،

نشر میزان.

20- Nielsson, Ted Robert (2002) Deoples versus, Washington
London, harst

21- Thornberry, Patrick (2001) An Unfinished Story Of Minority, Open Society